



A Sociological Study of the Relationship between Social Capital and Sexual Violence against Women (Case Study: Married Women in Qazvin City)

Mousa Saadati¹

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Morteza Ghelich

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Zahra Karimi

BA in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Received: 1 July 2023 Revised: 4 October 2023 Accepted: 14 October 2023

Abstract

Today, one of the critical hidden social harms is sexual violence inflicted on women by their husbands. Sexual violence in general has a devastating effect on the spirit and psyche of women, hinders their growth and prosperity and triggers a sense of insecurity among women. Hence, the present study was also conducted to investigate the link between social capital and sexual violence among married women in Qazvin city. The main research method is a field survey. The statistical population includes all married women of Qazvin city, among whom $n=383$ were selected using Cochran's statistical formula and stratified random sampling method. The data collection was conducted by a researcher-made questionnaire. Face validity was used to assess validity of the measurement instrument and Cronbach's alpha technique was adopted to evaluate reliability. The data analysis was also conducted by SPSS software. The results of the correlation test revealed that components of social capital including social commitment, social support and social participation were linearly related to two components of sexual violence (physical violence and psychological violence) and the sexual violence with 99% CI at a significance level of less than 0.01. All of the above relationships were negative and inverse. Moreover, the results of the multivariate regression analysis indicate that variables of the regression model could explain and predict 43% of variance in the dependent variable of sexual violence against women.

Keywords: Social Capital, Domestic Violence, Sexual Violence, Married Women, Family.

1. Corresponding Author. Email: m.saadati@soc.ikiu.ac.ir



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شهر قزوین)

موسی سعادت‌ی (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)،
قزوین، ایران، نویسنده مسئول)

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

مرتضی قلیچ (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین،
ایران)

ghelich@soc.ikiu.ac.ir

زهرا کریمی (کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین،
ایران)

zahrakarimyofecisociology@gmail.com

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی پنهان، مسئله خشونت جنسی علیه زنان است که توسط همسران بر آنان اعمال می‌شود. خشونت جنسی به‌طور کلی، بر روح و روان زنان تأثیرات مخربی داشته و مانع رشد و شکوفایی این قشر آینده‌ساز شده و موجب احساس ناامنی در بین زنان می‌شود. با توجه به این مهم، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی در بین زنان متأهل شهر قزوین انجام شده است. روش تحقیق پژوهش، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر قزوین است که از میان آنان تعداد ۳۸۳ نفر از طریق فرمول آماری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای گردآوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته صورت پذیرفته است. جهت سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری و برای برآورد پایایی نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. اعتبار نرم‌افزار مورد نیاز نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد که رابطه خطی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۸، صص ۶۷-۳۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

با دو مؤلفه خشونت جنسی (خشونت فیزیکی و خشونت روانی) و سازه خشونت جنسی با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ به تأیید رسیده است. نوع تمامی روابط مذکور، منفی و معکوس است. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره حاکی از آن است که متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانسته‌اند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته خشونت جنسی علیه زنان را تبیین و پیش‌بینی کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، خشونت خانگی، خشونت جنسی، زنان متأهل، خانواده.

۱. مقدمه

خشونت در خانواده، مسئله شایعی است که سلامتی و حقوق افراد را به خطر می‌اندازد و کم‌وبیش در تمام فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی روی می‌دهد. فضای خانه و محیط خانوادگی یکی از بسترهای خشونت است. خشونت خانگی آثار مخربی بر جو عاطفی خانواده و همچنین فرزندان دارد؛ از طرفی اعمال خشونت خانگی مردان نسبت به زنان علاوه بر آثار مخرب بر نهاد خانواده، پیامدهای فردی و روانی عدیده‌ای را به همراه دارد (سادات میری و دادور، ۱۳۸۹: ۲). چه بسا مشکلات روانی چون: تنهایی، افسردگی، اضطراب، وسواس و اختلال در خوردن و خواب، سرزنش خود، اختلال روابطی و رفتاری و همچنین، مشکلات فیزیکی شبیه شکستگی‌ها، آسیب اندام‌های داخلی، بیماری‌های التهابی، عفونت‌ها و... از عواقب کشنده و آسیب‌زای خشونت علیه زنان است (شامحمدی، ۱۳۹۶: ۷۳). یکی از غرایز مهم و بسیار قوی در نهاد آدمی، غریزه جنسی است که ضامن بقای نسل بشر است. در گذشته، جامعه بین‌المللی نسبت به جرایم علیه زنان به‌ویژه تبعیض جنسیتی و خشونت‌های علیه آنان توجه لازم را نداشت. بخشی از این بی‌توجهی شاید ناشی از آن باشد که حقوق بشردوستانه بین‌المللی، معمولاً خشونت‌های جنسی^۱ را جرمی علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمی علیه وی دانسته و بنابراین، برای آن اهمیتی کمتر از جرایمی چون شکنجه قائل شده است. جرایم مبتنی بر جنسیت با وجود گستردگی و وسیع بودن دایره شمول آن در باب جرایم جنسی و خشونت‌های

مبتنی بر جنسیت مطابق اسناد موجود بین‌المللی درباره زنان و به‌خصوص در روابط زناشویی، متأسفانه هنوز به‌طور کامل در قوانین داخلی ایران پذیرفته نشده است. بررسی دقیق ابعاد خشونت جنسی در روابط زناشویی بسیار دشوار بوده و نمی‌توان مطالعه دقیقی درباره آن انجام داد. تا جایی که می‌توان گفت ۷۰٪ زنان در طول زندگی، درگیر نوعی از خشونت از طرف شریک زندگی خود می‌شوند. در گزارش بخش زنان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ آمده است که احتمال بروز افسردگی و سقط جنین در زنانی که تحت سوء استفاده جنسی از طرف شریک زندگی خود قرار می‌گیرند، دو برابر دیگران بوده و همچنین، احتمال ابتلا به ایدز در این زنان یک و نیم برابر بقیه است. حداقل ۱۲۰ میلیون زن و دختر در جهان، یک‌بار در زندگی خود مورد تجاوز جنسی یا اعمال جنسی همراه با اجبار و زور قرار گرفته‌اند که متأسفانه اکثر این تجاوزات توسط همسر یا شریک جنسی قبلی صورت گرفته است (بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۱۷). آمارهای طلاق و تعداد بالای پرونده‌های خانوادگی در دادسراها و دادگاه‌ها نشان دهنده وجود تنش‌ها و خشونت خانوادگی در جامعه ایران است. قربانیان این خشونت معمولاً زنان هستند (یعقوبی و رئوفی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). آزارگری جنسی شامل پیشنهادات جنسی ناخواسته، درخواست ناخواسته برای نفع جنسی و دیگر رفتارهای کلامی، غیرکلامی و فیزیکی با ماهیت جنسی و براساس کلیشه‌های جنسی یا جنسیتی می‌شود که به‌صورت آشکار یا ضمنی شرایط شغلی، وضعیت تحصیلی و فعالیت‌ها و برنامه‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر عملکرد شغلی یا تحصیلی فرد اثر می‌گذارد، محیط کاری و تحصیلی را خصمانه، تهدید آمیز و خشن می‌کند. در کشور ما آمار رسمی درباره آزارهای جنسی در افراد، چه مجرد چه متأهل وجود ندارد؛ اما تحقیقات رسمی کشور آمریکا نشان داده است که تقریباً یک زن از هر دو زن قربانی خشونت جنسی شده‌اند (غیر از تجاوز) (یونسی و جعفری، ۱۳۹۷: ۱۰). در ایران، تنها در سال‌های اخیر به این موضوع توجه شده و بیشتر بررسی‌ها بر دیگر مؤلفه‌های خشونت خانگی علیه زنان متمرکز بوده است. در سال‌های اخیر، کژکارکردی‌های جنسی در ازدواج، سبب شده است که مطالعه بیشتری در روابط جنسی زوج‌ها انجام شود (رازقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

در بحث خشونت، این موضوع که زنان به طور قاطع بیش از مردان قربانی خشونت هستند، همچون امری مسلم پذیرفته شده است. بنابر آمار جهانی حدود ۹۰٪ از قربانیان خشونت خانگی زنان و تنها ۱۰٪ مردان هستند. موضوع تأسفبرانگیز این است که زنان به عنوان گروهی ویژه همچنان در جامعه دچار خشونت و قربانی انواع خشونت‌های بدنی و روانی می‌شوند که آثار و پیامدهای سوء برای آنها به وجود می‌آورد. واقعیت این است که خشونت ممکن است اثرات طولانی مدتی بر رفتار فرد قربانی باقی بگذارد، سلامت جسمی-روانی و قدرت سازگاری او را کاهش دهد و روابط خانوادگی و اجتماعی او را از حال عادی خارج کند. چون سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است. طی چند دهه گذشته فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی، هم درون خانواده و هم در بیرون آن رخ داده است. سرمایه اجتماعی که شاخص برجسته آن میزان گفت‌وگو درباره موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی بین همسران است کاهش یافته است (عباسی اسفجیر و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۳). سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان فعالیت مجرمانه در اجتماع در نظر گرفت. همچنین، به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی در تعیین احتمال روی آوردن افراد خاص به رفتار مجرمانه نقش بازی می‌کند. به طور کلی، بروز خشونت علیه زنان می‌تواند ناشی از کمبود اعتماد و همکاری بین زن و شوهر و در نتیجه کمبود سرمایه اجتماعی خانواده باشد (ملکی و نژادسبزی، ۱۳۸۹: ۳۴). سرمایه اجتماعی را میتوان تأثیر اقتصادی مولفه های فرهنگی یک سیستم اجتماعی دانست که در آن مولفه هایی نظیر: اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه ای، پاسخگویی و موارد مشابه باعث می شود تا هزینه های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی، ریزنی های مدیریتی، کندی ناشی از سیستم بوروکراتیک و موارد دیگر و امکان استفاده از زمان و سرمایه در جهت انجام فعالیت ها با بهره وری بیشتری انجام شود (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۱۳). در حوزه خانواده، سرمایه اجتماعی باعث می‌شود اعتماد، مشارکت و احساس تعهد به زندگی در زوجین زیاد شده و استحکام خانواده بیشتر شود و مثل سپری در برابر انواع خشونت‌های خانگی

علیه زنان عمل کند (سوری، ۱۳۹۲: ۵۰). در این راستا، تحقیق حاضر نیز درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر نوشته شده است:

- میزان سرمایه اجتماعی در بین زنان متأهل شهر قزوین در چه حدی است؟

- خشونت جنسی علیه زنان متأهل در شهر قزوین به چه میزانی است؟

- چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متأهل شهر قزوین وجود دارد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

بحث سرمایه اجتماعی، قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله‌ای توسط هانی فان^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد؛ اما علی‌رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ میلادی که توسط جین جاکوب^۲ در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت. در دهه ۱۹۷۰، لوری این تئوری را وارد عرصه اقتصاد کرد، او از تئوری سرمایه اجتماعی برای انتقاد از نظریات نئوکلاسیک و ناعادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد. جیمز کلن^۳ (۱۹۸۸)، برای اولین بار این مفهوم را در آمریکای شمالی وارد عرصه سیاست کرد. پوتنام تلاش‌های وی را در اروپا پیگیری کرد. تئوری سرمایه اجتماعی، عمدتاً با نظریه‌های بوردیو^۴، کلن و پاتنام^۵ تکامل پیدا کرد (الوانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۴). مفهوم سرمایه اجتماعی، ریشه در افکار جامعه‌شناسان کلاسیک دارد. تأکید دورکیم بر بررسی همبستگی اجتماعی و خاستگاه آن و همچنین، تعلق خاطر دوتوکویل به نهادهای مدنی، برجسته‌ترین نمونه‌ها به شمار می‌رود؛ اما هیچ‌کدام از آنها به‌طور مستقیم اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را به کار نبرده‌اند. اولین بار در قرن بیستم این اصطلاح استفاده شد که در ابتدا بیش از آنکه یک «مفهوم» باشد، استعاره‌ای بود برای

1. Hanyfn

2. Jane Jacob

3. James kelman

4. Pierre Bourdieu

5. Robert D. Putnam

اشاره به اهمیت شبکه‌های اجتماعی (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از راه اجتماعی‌شدن حاصل می‌شوند، دربرگیرنده اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گردآمدن افراد به‌صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه برای تأمین هدفی مشترک می‌شود (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

از نظر پیر بورديو، سرمایه اجتماعی «مجموع منابع بالفعل و یا بالقوه‌ای را دربر می‌گیرد که به مالکیت یک شبکه پایدار متصل است». شبکه‌ای که هریک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار و آنان را مستحق «اعتبار» می‌کند. بدین‌سان، حجم سرمایه اجتماعی در تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به‌طرزی مؤثر بسیج کند (شیانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). از دیدگاه پیر بورديو سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل -یا به بیان دیگر، با عضویت در یک گروه- است. شبکه‌ای که هریک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار و آنان را مستحق «اعتبار» می‌کند. به اعتقاد بورديو سرمایه اجتماعی چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند. درواقع، سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از راه ارتباطات اجتماعی است. تأکید بورديو بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود. در دیدگاه او، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی است (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۴).

به اعتقاد جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را

تشویق یا منع می‌کنند. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر متفاوت است که دارای دو ویژگی مشترک هستند. تمام این عناصر دارای برخی از جوانب ساختاراجتماعی بوده و برخی از کنش‌های افراد واقع در درون ساختار را تسهیل می‌کنند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی، نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختاراجتماعی یک گروه می‌تواند همچون منبعی برای افراد آن گروه «خانواده» عمل کند. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجراهای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند. به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه شکل در خانواده حاضر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. دوم، ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم کرد. سوم، وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر هستند. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی در یک تعامل اجتماعی (ذهنی-عینی) خلق می‌شود و از نظر او سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد، سرمایه انسانی را به همراه دارد (شکریگی، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متشکل آنان را تأمین خواهد کرد. پاتنام استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی همچون یکی از مؤلف‌های اساسی سرمایه اجتماعی، روح همکاری، یک‌پارچگی و انسجام را در شهروندان تزریق می‌کند. اعتماد اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا روح همکاری در میان آنها از راه رفتارهای مشترک توسعه یابد (باقری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۱). به نظر پاتنام، زندگی در جامعه‌ای که میزان قابل ملاحظه‌ای از سرمایه اجتماعی دارد، راحت‌تر است؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی هنجارهای قدرتمند بده‌بستان فراگیر را تقویت کرده و مشوق ظهور اعتماد اجتماعی هستند. این چنین شبکه‌هایی، همکاری و ارتباطات را تسهیل کرده، به اعتبارها افزوده و از این راه، غلبه بر معماهای کنش جمعی را ممکن می‌کنند. از این رهگذر، شبکه‌های متراکم می‌توانند مفهوم «خود»

مشارکت‌کنندگان را گسترش داده و «من» را به «ما» تبدیل کنند یا «تمایل» مشارکت‌کنندگان برای کنش جمعی را تقویت کنند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

به نظر فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی متعلق به گروه است و نه به افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. گروهی که حامی سرمایه اجتماعی‌اند، ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترکاً همکاری می‌کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت باشد (غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳). وی همچنین درباره سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی، که به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شود و اساساً شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه است؛ اما هنجارهای غیر مولد سرمایه اجتماعی، کمکی به ارتقاء همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد. پس ممکن است در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل را نبینیم؛ ولی هنجارهای اجتماعی قوی، آن هم از نوع غیر مولد سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد؛ مثل عدم اعتماد به دیگران. جامعه‌ای که افراد حتی نباید به پدر و مادر خود اعتماد کنند دارای یک هنجار اجتماعی قوی غیر مولد سرمایه اجتماعی است (کلدی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

نان لین، با طرح «نظریه منابع اجتماعی» مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی بهتر منجر شود. بر همین اساس، لین در سال‌های اخیر (۱۹۸۸)، سرمایه اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب، از نظر لین سرمایه اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این گونه منابع اجتماعی در کنش‌های هدفمند. لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند و لذا سرمایه اجتماعی افراد را برحسب میزان یا

تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم دارد قابل سنجش می‌داند. وی منابع نهفته و (موقعیت‌های شبکه‌ای) را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و نتایج سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی را درباره دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری طبقه‌بندی می‌کند. برای کنش ابزاری سه گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را مطرح می‌کند: بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و بازدهی اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می‌نویسد: «به نظر من شهرت یکی از شاخص‌های بازدهی اجتماعی است. شهرت را می‌توان به مثابه نظرات مساعد یا نامساعد درباره فرد در یک شبکه اجتماعی تعریف کرد» (زنجانی‌زاده، ۱۳۹۳؛ ۱۷-۱۶). به‌طور کلی، لین از سرمایه اجتماعی به‌عنوان دارایی ارتباطی یاد می‌کند و سرمایه‌گذاری در این شکل از سرمایه نه بر روی فرد، بلکه بر روی روابط صورت می‌گیرد؛ یعنی اینکه افراد برای دستیابی به سود، در تعاملات و شبکه‌سازی شرکت می‌کنند.

آنتونی گیدنز نیز در حوزه سرمایه اجتماعی بر مؤلفه تعهد و اعتماد تأکید می‌کند. وی بنیاد و سرمنشاء انواع اعتماد را اعتماد بنیادی می‌داند که حاصل نوعی اجتماعی‌شدن ناخودآگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. گیدنز معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به‌خوبی شکل بگیرد، پایه و بنیاد همه‌گونه اعتمادهای بعدی در زندگی فرد می‌شود. نوع دوم اعتماد از نظر گیدنز، اعتماد متقابل بین شخصی است که برای ایجاد آن فرد هم باید به دیگران اعتماد کند، هم خودش مورد اعتماد باشد. سومین نوع اعتماد، اعتماد انتزاعی است. گیدنز معتقد است در جوامع مدرن اعتماد به اصول شخصی و اعتماد به افراد ناشناس برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر شده است. وجه عمده اعتماد در این عصر، پابندی‌های بی‌چهره‌ای است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد. او ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند. نوع دیگری از اعتماد که گیدنز تأکید می‌کند، اعتماد فعالانه است که خاص جوامع پسااستی است. در این جوامع هیئت سیاسی ملی تنها به یکی از مرجع‌های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون دیگر تبدیل

می‌شود. بسیاری از آدم‌ها ممکن است به آنچه در زمینه سیاسی متعارف می‌گذرد گوش ندهند و برای برخی اصلاً مسائل سیاسی مهم نباشد؛ لیکن بسیاری از آدم‌ها به مراتب بیشتر از دوره مدرن به چگونگی حکومت شدنشان می‌اندیشند. گیدنز، جو دارای اعتماد را با اصطلاح پبله حفاظتی می‌آورد که درحقیقت، نوعی پوشش اطمینان‌بخش است که به حفظ و تداوم زندگی یاری می‌رساند.

خشونت حالتی از رفتار است که در آن فردی با استفاده از نیروی فیزیکی و یا غیر فیزیکی خواسته خود را به دیگران تحمیل می‌کند؛ در مفهوم اجتماعی، خشونت را می‌توان «وارد آوردن نوعی فشار و نیروی فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد و یا یک گروه بر نهاد یا گروهی دیگر دانست که با هدف وادارکردن آن نهاد یا فرد، به انجام کاری برخلاف میل و اراده شان انجام بگیرد. از این رو، خشونت در برابر اراده، میل و آزادی قرار می‌گیرد (پاراشدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۱۴۸-۱۴۹). خشونت طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت عبارت است از: تهدید یا تمایل یا اقدام به استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، علیه خود یا دیگری یا جامعه که موجب بروز آسیب جسمانی، مرگ، آسیب روانی، ضعف رشد و یا انواع محرومیت‌ها شود و خشونت خانگی عبارت است از خشونتی که بین افراد خانواده و شرکای زندگی رخ می‌دهد که اغلب و نه همواره در درون منزل اتفاق می‌افتد (علمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

یافته‌های پژوهش رزاقی و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان «بررسی رابطه رضایت جنسی با تعارضات زناشویی زنان»، نشان داد که بین رضایت جنسی و تعارضات زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و توجه به داشتن رضایت جنسی در رابطه زناشویی در مداخله‌های درمانی و آموزش‌های خانواده، ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۷)، با عنوان «استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی»، نشان می‌دهد خشونت فیزیکی مردان علیه زنان بازتاب فشارها و استرس‌های متعددی است که بر آنها وارد می‌شود. به این معنا که خشونت مردان علیه زنان در خانواده نمایانگر واکنش مردان در برابر فشارهای بیرونی و درونی موجود در حوزه‌های عمومی

و خصوصی است. مفهوم «استرس» در این مطالعه نوعی واکنش منفی مردانه به شرایط و وضعیت حاکم بر جامعه‌ای است که اعمال خشونت علیه زنان بخشی از تبعات آن شرایط است.

نتایج پژوهش نیکدل و جاودانیان (۱۳۹۷)، با عنوان « طرح‌واره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان»، نشان داد که طرح‌واره‌های شناختی پرخاشگر، نقش مهمی در ثبات خشونت در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف دارند. تمایلات جنسی که نشان‌دهنده سلطه مردانه است، در صورت ناکامی می‌تواند یکی از ابعاد مهم طرح‌واره پرخاشگر یعنی مجازدانستن انتقام برای انجام رفتارهای خشن فعال کرده و فقدان مهارت‌های کنترل خشم این گرایش را تشدید می‌کند.

نتایج پژوهش عباسی اسفجیر (۱۳۹۵)، با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر بابلسر»، نشان داد که رابطه معکوس و معناداری بین سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است؛ این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش یعقوبی و رئوفی (۱۳۹۳)، با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شهر خلخال)»، به شیوه پیمایشی نشان می‌دهد که دخالت اطرافیان، جایگاه اقتصادی زوجین، پذیرش اقتدار مرد، فاصله سنی زوجین و خشونت در خانواده خاستگاه تأثیر مثبتی بر خشونت علیه زنان دارد. درحالی‌که علاقه زوجین، منابع حمایتی اجتماعی، تحصیلات زوجین، قدرت زن در ساختار خانواده ارتباط معکوسی با خشونت علیه زنان دارند.

نتایج پژوهش محمدی و میرزائی (۱۳۹۱)، با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)»، حاکی از آن است که خشونت در جامعه مورد نظر در ابعاد مختلف وجود دارد. بیشترین میزان خشونت رایج، خشونت روانی و خشونت جنسی و کمترین میزان خشونت، خشونت اقتصادی است و بین تصویر اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و

خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بین کمک و همکاری شوهر در کارهای منزل با خشونت علیه زنان رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد.

نتایج پژوهش عنایت و دهقانی (۱۳۹۱)، با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی: شهرستان کهگیلویه)»، با روش پیمایشی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در چرخه‌ای از عوامل فرهنگی-اجتماعی تمرکز یافته در میان خانواده‌ها جریان دارد.

نتایج پژوهش علی‌وردی نیا و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی»، نشان داد که قدرت زن در ساختار خانواده، خشونت‌پذیری، خشونت در خانواده خاستگاه و پایگاه اجتماعی-اقتصادی نسبی زوجین رابطه معناداری با خشونت شوهران علیه زنان داشته است.

نتایج پژوهش یعقوبی دوست و عنایت (۱۳۹۰)، با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز)»، با روش پیمایشی نشان داد که بین متغیرهای: انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک‌شده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و جمعیت (خانوار)، با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد و نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیشترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش‌بینی بالای متغیر وابسته داشته است.

نتایج پژوهش ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، با عنوان «رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد»، حاکی از آن است که کمترین تجربه خشونت خانگی در حوزه خشونت فیزیکی مستقیم و بیشترین موارد در حوزه خشونت فیزیکی غیرمستقیم و روانی-عاطفی است. حدود نیمی از افراد بررسی‌شده، دارای سرمایه اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد و مابقی دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند. سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ای در خشونت خانگی علیه زنان داشتند؛ به‌نحوی که سرمایه

اجتماعی به تنهایی ۵۱ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می‌کند، در تحلیل چند متغیره، پس از سرمایه اجتماعی، متغیر تحصیلات زن مهم‌ترین تبیین‌کننده خشونت خانگی علیه زنان و مؤثرترین منبع باارزش اجتماعی در فرایند توانمندسازی زنان شناخته شد.

نتایج پژوهش ساریچلو و همکاران (۱۳۸۸)، با عنوان «خشونت‌های خانگی علیه زنان و مداخله جهت پیشگیری در منطقه مینودر و کوثر قزوین» نشان داد که زنان برای رهایی از خشونت‌های خانگی باید مهارت‌های بسیاری از جمله مهارت‌های ارتباط با همسر و روابط بین فردی را فراگیرند. به علاوه برای کاهش این نوع خشونت‌ها لازم است مردان به عنوان عاملین خشونت نیز مهارت ارتباط بین فردی را بیاموزند.

نتایج پژوهش السان (۱۳۸۵)، با عنوان «جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان»، نشان می‌دهد که رضایت بزه‌دیده، در وقوع و سختی پیشگیری از خشونت جنسی تأثیر زیادی دارد و دولت و محاکم قضایی باید به حقوق قانونی بزه‌دیدگان چنین جرایمی توجه ویژه کنند. پیشگیری از خشونت جنسی علیه زنان، در درجه نخست نیازمند فرهنگ‌سازی و درک صحیح تفاوت «بزه‌دیدگی و بزه‌پذیری زنان» و در وهله دوم، نیازمند التزام دولت‌ها به حمایت از زنان بزه‌دیده و تعامل بین‌المللی دولت‌هاست.

نتایج پژوهش هرماندز و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، با عنوان «ترس از جرم؛ نابرابری‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی: آزمونی تجربی در پرو»، به شیوه پیمایش و با استفاده از تحلیل چند سطحی جهت نظرسنجی از خانواده، نشان داد که سوء استفاده فیزیکی یا جنسی از اعضای خانواده و جرایم جنسی، قوی‌ترین عامل ترس از جرم است و متغیر سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی با متغیر ترس از جرم داشته است.

پژوهشی توسط کوا و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و سوء استفاده سالمندی در بین افراد مسن: مطالعه موردی سالمندی در ژاپن» به شیوه پیمایش انجام شده است.

1. Hernández & et al

2. Koga & et al

نتایج حاکی از آن است که آزارهای جسمی، روانی و مالی به ترتیب ۱/۲۶، ۱۱/۱۲ و ۱/۴۵ درصد گزارش شد. عوامل مرتبط با افزایش احتمال تجربه آزار عبارتند از: زن بودن، زندگی با اعضای خانواده، داشتن سلامتی ضعیف و داشتن دیدگاه مثبت نسبت به اعتماد جامعه با خطر کمتری برای سال، بیهود بودن یا مجرد بودن و داشتن دیدگاه مثبت نسبت به اعتماد جامعه با خطر کمتری برای تجربه سوء استفاده همراه بود. همچنین، درحالی که عوامل جمعیت‌شناختی و سلامتی رابطه معناداری با سالمندآزاری داشته است، یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه اعتماد در جامعه خطر خشونت را کاهش می‌دهد، تأثیر معنادار سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق آهnlوند و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، با عنوان «شیوع و هم‌بستگی خشونت جنسی، جسمی و روانی علیه زنان و مردان ۶۰ تا ۷۴ سال در سوئد»، به شیوه پیمایش و با ابزار پرسش‌نامه با حجم نمونه ۲۸۰۰ زن و مرد، نشان داد که خشونت جنسی رایج‌ترین شکل خشونت علیه زنان بود. خشونت روانی منظم و مکرر رایج‌ترین شکل خشونت علیه مردان گزارش شده است. تفاوت‌های جنسیتی بیشتری در رابطه با ویژگی‌های قربانی پیدا شد. درحالی که بین زنان قربانی خشونت، متغیرهای جمعیت‌شناختی، سلامت و همچنین، سرمایه اجتماعی با خشونت آنان ارتباط معناداری داشت، تنها متغیر سلامت با قربانی خشونت شدن در سال گذشته در میان مردان از نظر آماری معنادار بود. در میان زنان، مشکلات اقتصادی، علائم اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، عدم اعتماد به افراد دیگر، و نداشتن کسی برای صحبت، با قربانی خشونت شدن همراه بود. سلامت روانی ضعیف و مصرف در معرض خطر الککل با قربانی شدن خشونت در میان مردان مرتبط است.

نتایج پژوهش بانارجی (۲۰۱۸)، با عنوان «شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آنها در بنگلادش»، نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی و مردسالاری، ازدواج، رویه فرهنگی و موانع دسترسی به عدالت، از عوامل اصلی خشونت جنسی در بنگلادش هستند.

1. Ahnlund & et al

نتایج پژوهش مرو و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «سرمایه اجتماعی و بهداشت»، نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی) با متغیر بهداشت و سلامتی رابطه معنادار و مثبتی داشته است.

نتایج پژوهش نورمنیزا و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «فرار از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی در مورد زنانی که شوهران بددهنشان را ترک کردند»، نشان داد که ازجمله عوامل مؤثر بر خشونت خانگی عبارتند از: حمایت اجتماعی، تعهد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین زنان مورد مطالعه.

نتایج پژوهش سیما و یاس (۲۰۱۷)، با عنوان «خشونت‌های زناشویی و عفونت‌های مقاربتی در زنان مصر پس از انقلاب»، نشان می‌دهد که تقریباً یک سوم زنان علائمشان نشان می‌داد که در ۱۲ ماه گذشته خشونت جسمی یا جنسی شریک زندگی را تجربه کرده بودند. نتیجه اینکه مداخلات بهداشتی حوزه سلامت جنسی زنان، باید به راهکارهای مقابله با خشونت و پیشگیری تأکید و توجه کنند.

نتایج پژوهش عابد و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «نقش پزشکی قانونی در ارزیابی خشونت جسمی غیر کشنده علیه زنان توسط همسرانشان در اردن»، حاکی از آن است که از ۱۵۸ نفر زن مراجعه کننده، ۸۷ زن جراحات‌های متعدد داشتند. اکثر آسیب‌ها، آسیب‌های بافتی بودند. نتیجه اینکه خشونت صمیمانه شریک زندگی می‌تواند طیف وسیعی از صدمات را از جزئی گرفته تا ... داشته باشد و به‌طور بالقوه تهدیدکننده زندگی است. پزشکی قانونی در مستندسازی و ارزیابی این صدمات و مشاوره به سیستم قضایی در این موارد نقش دارد. اینها همه عناصر اصلی در افزایش آگاهی از ماهیت و میزان این نوع رفتار و تأثیر آن بر زنان (و مردان) و مردم دیگر است. نتایج پژوهش لین (۲۰۱۷)، با عنوان «بررسی تأثیر خارج از مسیر مورد ضرب و شتم: خشونت، زنان و هنر»، این موضوعات را برجسته می‌کند: خشونت یادگیری و دانستن، قدرت هنر و دعوت به عمل، اشاره دارد به اینکه پتانسیل استفاده‌نشده هنر به‌عنوان یک استراتژی برای تأثیرگذاری بر مسئله خشونت مبتنی بر جنسیت است.

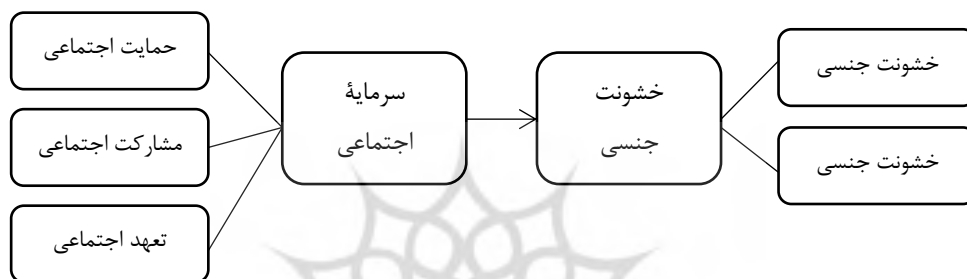
نتایج پژوهش ژانگ وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، با عنوان «سرمایه اجتماعی و افسردگی قبل از زایمان در میان نخست‌های چینی: بررسی مقطعی»، نتایج نشان داد که شیوع افسردگی قبل از زایمان در بین گروه‌هایی با مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از کسانی بود که در زیرگروه نمره پایین‌تر گرفتند.

نتایج پژوهش استیکلیتز و همکاران (۲۰۱۱)، با عنوان «خیانت، حسادت و همسرآزاری در میان کشاورزان، آزمایش فرضیه‌های تکاملی درگیری زناشویی»، نشان داد که نقش حسادت و خیانت مردان نسبت به همسر در افزایش اختلاف زناشویی و همسرآزاری به‌خوبی اثبات شده است؛ ولی به نقش حسادت زنان نسبت به خیانت شوهران چندان توجه نشده است. مطابق تجزیه و تحلیل‌های چند متغیره پرخاشگری مردان نسبت به همسرانشان نشان داد که مردان از منابع خانوادگی برای منافع خودخواهانه خود استفاده می‌کنند.

تحقیق دیگری با عنوان «عوارض خشونت خانگی: PTSD میان زنان کتک‌خورده» توسط رونیت شرحبانی^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، در نمونه‌ای از زنان اسرائیل با هدف بررسی میزان PTSD بین زنان کتک‌خورده و افسردگی انجام شد. نتایج نشان داد که ۵۱.۶٪ از زنان خشونت‌دیده، PTSD کامل داشتند. زنان خشونت‌دیده به‌طور معناداری سطوح بالاتری از نشانه‌های افسردگی را نسبت به زنان عادی داشتند. زنان خشونت‌دیده به‌طور معناداری نسبت به زنان معمولی دارای نشانه‌های PTSD بودند و اینکه بین خشونت خانگی و PTSD رابطه معناداری حاصل آمد و همچنین بین تمامی ابعاد خشونت شامل خشونت‌های فیزیکی، روانی، جنسی و مالی با افسردگی رابطه معناداری حاصل شد (شرحبانی و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۳۳۵).

نتایج پژوهش اولیری و همکاران (۱۹۹۹)، با عنوان «رویکردهای خاص جنسیتی»، نشان می‌دهد که در طول درمان، شوهرها ۴۷٪ از پرخاشگری روانی و ۵۱٪ از پرخاشگری جسمی زنان را کاستند. در طی سال بعد از درمان فقط یک چهارم شوهرها بدون خشونت بودند. هدف ازاین مطالعه ارائه مقایسه‌ای از اثر دو روش درمانی، درمان خاص جنسیتی (زنان و مردان) و

درمان مشترک با تمرکز بر کاهش پرخاشگری روانی و جسمی زنان است؛ نتیجه اینکه هیچ روش درمانی‌ای از نظر ایمنی و اثربخشی برای افراد داوطلب برتری نداشت. چهارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر آراء اندیشمندانی چون بوردیو، کلمن، فوکویاما، پاتنام، لین و گیدنز است. با توجه به پیشینه نظری و تجربی، مدل نظری پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شود:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

در ادامه فرضیه‌های پژوهش براساس مبانی نظری و پیشینه تجربی به قرار زیر طراحی شده است.

- بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و خشونت جنسی در بین زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.
- بین تعهد اجتماعی و خشونت جنسی در بین زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی و خشونت جنسی در بین زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق استفاده‌شده در پژوهش حاضر، براساس هدف تحقیق از نوع کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی است. در روش پیمایشی از نگرش و رفتار جمعیتی براساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک سری سؤالات،

توصیفی به عمل می‌آید. همچنین، با ساختن فرضیه‌هایی به تبیین نیز پرداخته می‌شود. این پژوهش از لحاظ میزان ژرفایی پهنانگر بوده و از لحاظ زمانی مقطعی است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه زنان متأهل شهر قزوین است که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۳۵۵۴۴۸ نفر هستند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است؛ بدین صورت که پس از برآورد حجم نمونه کل، نمونه اختصاصی برای هرکدام از گروه‌های سنی شهر قزوین به تناسب جمعیتشان محاسبه شد. تعداد نمونه آماری پژوهش نیز با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر محاسبه گردید. همچنین، برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه محقق-ساخته استفاده شده است که در ادامه به تعاریف متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

سرمایه اجتماعی: واژه سرمایه اجتماعی، دربرگیرنده مفاهیمی چون: اعتماد، همکاری، همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهد و آنها را به سوی دستیابی به هدفی هدایت می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۵). سرمایه اجتماعی دارای ابعاد زیادی است. در تحقیق حاضر با تکیه بر دستگاه نظری کلمن و فوکویاما (تأکید بر سرمایه اجتماعی خانواده و حمایت‌های دریافتی)، گیدنز (تأکید بر اعتماد و تعهد بین شخصی)، بوردیو و پاتنام (تأکید بر شبکه‌های اجتماعی و تعاملات و مشارکت)، نهایتاً سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعهد اجتماعی سنجیده شده است.

مشارکت اجتماعی:

مشارکت به مفهوم کنشی قصددار، هدفمند، ارادی، اختیاری با خصوصیات متعامل بین کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی او و تقبل آگاهانه انجام امری یا بخشی از امور در شکل معاضدت، معاونت، همیاری و همکاری از روی میل و رغبت و نیاز و با هدف بهبود زندگی اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرآیندهای توسعه ملی است (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۵).

حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی را عبارت از ارزشیابی‌ها یا ارزیابی‌های فرد از اینکه تا چه حد یک تعامل یا الگوی تعاملات یا روابط برای وی سودمند است، می‌دانند (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵).

تعهد اجتماعی:

تعهد اجتماعی عاملی است که باعث ایجاد نظم در کار و حس انجام وظیفه در افراد می‌شود. تعهد باعث می‌شود افراد نسبت به وظایف و رفتار اجتماعی خود، بدون وجود کنترل خارجی حساس باشند و وظایف خود را به بهترین شکل ایفا کنند (حقیقتیان و عبداللهی، ۱۳۹۰: ۶۵).

خشونت: از نظر لغوی به معنای غضب، درشتی و تندی کردن، تعریف شده است. خشونت طیفی از رفتارهای بسیار تند و آسیب‌زا تا عکس‌العمل‌های منفی چون بی‌تفاوتی و کم‌توجهی را دربر دارد (شادمانی، ۱۳۹۷: ۶۴). خشونت خانگی، خشونتی است که با قصد و نیت آشکار یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به زوج دیگر صورت می‌گیرد (نریمانی و محمدیان، ۱۳۸۴: ۱۰۷). در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های خشونت جنسی فیزیکی و خشونت جنسی روانی سنجیده شده است.

در این پژوهش، نوع اعتبار صوری است؛ به این معنی که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نظر اساتید برای بررسی مفهومی استفاده شده است. جهت برآورد پایایی ابزارهای اندازه‌گیری نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای به دست آمده برای تمامی متغیرها بالای ۰/۷ بوده و از نظر آماری مورد تأیید است.

جدول ۱. ضریب پایایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

مؤلفه	گویه‌ها	ضریب پایایی مؤلفه‌ها	ضریب پایایی کل
تعهد اجتماعی	من به زندگی خود متعهد هستم.	۰/۷۹۳	
	من به همسرم خیانت نمی‌کنم.		
	حس می‌کنم ممکن است همسرم روزی به من خیانت کند.		
	از اینکه همسرم بدون من خوش‌گذرانی کند ناراحت می‌شوم.		
حمایت اجتماعی	خانواده همسرم به من احترام می‌گذارند.	۰/۷۸۶	
	همسرم برای من ارزش زیادی قائل است.		
	همسرم به من عشق می‌ورزد.		

مؤلفه	گویه‌ها	ضریب پایایی مؤلفه‌ها	ضریب پایایی کل
	همسر من نسبت به من بی‌اعتنا است.	۰/۷۸۱	
	همسر من در انجام هرکاری مرا حمایت می‌کند.		
	همسر من در مواقع اضطراری کنار من است.		
	همسر من مرا تحسین و تشویق می‌کند.		
	من با خانواده همسر رابطه خوبی دارم.		
	خانواده همسر من در زندگی پشت‌وپناه من هستند.		
	همسر من نسبت به غم و اندوه من بی‌اعتنا است.		
مشارکت اجتماعی	من در کارهای گروهی بسیار موفق هستم.	۰/۷۶۵	
	همسر من در کارهای منزل به من کمک می‌کند.		
	من در کارهای مهم با همسر مشورت می‌کنم.		
	همسر من در تصمیم‌گیری‌های مهم با من مشورت می‌کند.		
	در زندگی با همسر من بیشتر موارد توافق نظر داریم.		
	حس می‌کنم از زندگی‌ام راضی هستم.		

مطابق جدول شماره ۲، ضریب پایایی به دست آمده برای متغیر خشونت جنسی و مؤلفه‌های مربوطه بالای ۰/۷ بوده و از نظر آماری مورد تأیید است.

جدول ۲. ضریب پایایی مؤلفه‌های خشونت جنسی

مؤلفه	گویه‌ها	ضریب پایایی مؤلفه‌ها	ضریب پایایی کل
	بعد از هر بار رابطه جنسی به دکتر نیاز پیدا می‌کنم.	۰/۷۶۹	۰/۷۷۸
	همسر من هنگام برقراری رابطه جنسی کارهایی انجام می‌دهد که من علاقه‌ای به آنها ندارم.		
	همسر من در طول برقراری رابطه جنسی برخلاف میل من، دست و پای من را می‌بندد.		
	در هر نوبت رابطه جنسی به ارگاسم نمی‌رسم.		

مؤلفه	گویه‌ها	ضریب پایایی مؤلفه‌ها	ضریب پایایی کل
خشونت فیزیکی	همسر در طول رابطه جنسی به درد کشیدن من توجهی ندارد.		
	در رابطه جنسی با همسر، علی‌رغم میل من بدنم را زخمی می‌کند.		
	همسر در هنگام قاعدگی برخلاف میل من، بامن رابطه جنسی برقرار می‌کند.		
	همسر در هر نوبت رابطه جنسی برخلاف میل من، خواستار رابطه جنسی مقعدی است.		
	همسر علی‌رغم میل من، من را اجبار به دست‌زدن و لمس اندام تناسلی خود می‌کند.		
خشونت روانی	همسر اندام تناسلی من را مسخره می‌کند.	۰/۷۸۴	
	همسر جلوی من، برخلاف میل من، از اندام جنسی زنان دیگر تعریف می‌کند.		
	همسر در مقابل دیدگان من در فضای عمومی از نظر جنسی مزاحم زنان دیگر می‌شود.		
	همسر نسبت به اندام من بی‌اعتنا است.		
	همسر در طول برقراری رابطه جنسی، علی‌رغم میل من، به من فحاشی می‌کند.		
	از برقراری رابطه جنسی با همسر لذت نمی‌برم.		
	همسر فانتزی‌های جنسی خطرناکی از من می‌خواهد که برخلاف میل من است.		

۴. یافته‌های تحقیق

براساس یافته‌های تحقیق، شغل ۵۲/۳ درصد پاسخ‌گویان، خانه‌داری بوده است. همچنین، ۲۰/۵ درصد آنها مشغول به تحصیل، و ۱۸/۲ درصد سایر مشاغل را داشته‌اند. در بین نمونه‌های آماری مورد مطالعه، ۵۴/۵ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. همچنین، ۳۶/۴ درصد شوهران پاسخ‌گویان نیز مدرک لیسانس داشتند؛ درواقع مدرک لیسانس در بین پاسخ‌گویان و شوهرانشان بیشترین فراوانی را داشته است. طبق یافته‌های تحقیق، ۱۵/۹ درصد درآمد ماهیانه

خانواده پاسخگویان بالای ۱۱ میلیون و ۳۸/۶ درصد آنها درآمدشان بین ۵-۱۱ میلیون بوده است. میانگین سن زنان مورد مطالعه، با در نظر گرفتن حداکثر سن ۶۰ سال به بالا و حداقل آن ۱۸ سال ۳۷/۸ سال بوده است.

نتایج حاصل از سنجش متغیر سرمایه اجتماعی حاکی از آن است که میانگین حاصل متغیر تعهد اجتماعی با حداکثر ۱۴ و حداقل ۹/۴،۷۵ برآورد شده است. میانگین میزان حمایت‌های دریافتی زن از خانواده ۲۴/۴۸، گزارش شده است. میانگین حاصل متغیر مشارکت اجتماعی با توجه به حداکثر ۳۳ و حداقل ۱۶، ۲۵/۰۴ بوده است. میانگین سرمایه اجتماعی کل نیز در بین آزمودنی‌ها، با بیشینه ۷۹ و کمینه ۴۵، برابر با ۵۹/۲۹ برآورد شده است (جدول شماره ۳).

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
تعهد اجتماعی	۹/۷۵	۲/۷۸	۰/۴۳۱	۱۴	۴	۱۰
حمایت اجتماعی	۲۴/۴۸	۴/۳۳	۰/۲۷۶	۳۴	۱۶	۱۸
مشارکت اجتماعی	۲/۰۴	۴/۱۹	۰/۰۹۴	۳۳	۱۶	۱۷
سرمایه اجتماعی	۵۹/۲۹	۷/۷۵	۰/۶۴۳	۷۹	۴۵	۳۴

نتایج یافته‌های توصیفی متغیر خشونت جنسی نشان داد که میانگین حاصل بعد خشونت جنسی-فیزیکی با حداکثر ۴۰ و حداقل ۲۰ برابر با ۲۷/۶۰ است. میانگین بعد خشونت کلامی-روانی برابر با ۲۰/۹۳ برآورد شده است. میانگین خشونت جنسی کل نیز، در بین آزمودنی‌ها با حداکثر ۵۱ و حداقل ۳۵ برابر با ۴۵/۷۴ است (جدول شماره ۴).

جدول ۴. آماره‌های توصیفی متغیر خشونت جنسی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
خشونت جنسی-فیزیکی	۲۷/۶۰	۳/۴۸	۰/۴۳۳	۴۰	۲۰	۲۰
خشونت جنسی-کلامی	۲۰/۹۳	۲/۵۳	۰/۳۹۹	۲۴	۷	۱۷
خشونت جنسی	۴۵/۷۴	۳/۲۹	۰/۱۱۵	۵۱	۳۵	۱۶

جهت سنجش همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های سه‌گانه شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با متغیر خشونت جنسی و مؤلفه‌های دوگانه مشتمل بر خشونت جنسی فیزیکی، خشونت جنسی روانی با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ به تأیید رسید؛ نوع رابطه‌ها نیز منفی و معکوس برآورد شده است. به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های مربوطه، میزان خشونت جنسی (فیزیکی و روانی) رو به کاهش می‌گذارد و برعکس، با کاهش میزان سرمایه اجتماعی در بین نمونه مورد مطالعه، خشونت جنسی روند صعودی خواهد داشت (جدول شماره ۵).

جدول ۵. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و خشونت جنسی

سرمایه اجتماعی	خشونت جنسی فیزیکی		خشونت جنسی روانی		خشونت جنسی	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
تعهد اجتماعی	** -/۴۵۲	۰/۰۰۰	** -/۳۹۹	۰/۰۰۰	** -/۴۰۲	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	** -/۴۶۹	۰/۰۰۰	** -/۳۸۵	۰/۰۰۰	** -/۳۷۴	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	** -/۳۶۳	۰/۰۰۰	** -/۳۲۱	۰/۰۰۰	** -/۳۲۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	** -/۴۴۱	۰/۰۰۰	** -/۳۶۰	۰/۰۰۰	** -/۴۱۴	۰/۰۰۰

** معناداری در سطح ۰/۰۱ * معناداری در سطح ۰/۰۵ *** عدم معناداری

در پژوهش حاضر، برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته خشونت جنسی علیه زنان از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. براساس نتایج، خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته براساس معناداری آزمون تحلیل واریانس، به اثبات رسیده است؛ به این معنا که متغیرهای مستقل توان پیش‌بینی و تبیین تغییرات متغیر خشونت جنسی علیه زنان را دارند. همچنین، استقلال خطاها براساس آماره دوربین واتسون محقق شده است؛ منظور اینکه

باقی مانده‌ها مستقل از هم هستند. عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل نیز، با توجه به مقادیر شاخص‌های تولرانس^۱ (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس^۲ (کوچک‌تر از عدد دو)، از نظر آماری مورد تأیید است. متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی، شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر خشونت علیه زنان داشته‌اند. تأثیر تمامی متغیرهای مذکور بر مغیر وابسته به لحاظ آماری معنادار بوده و نوع تأثیرات نیز منفی و معکوس است. همچنین، متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیونی، براساس ضریب تبیین اصلاح‌شده، ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کرده‌اند (جدول شماره ۶).

جدول ۶. آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره خشونت جنسی

بررسی هم‌خطی		P-Value	آماره t	ضریب (Beta)	متغیر
شاخص تورم واریانس	تولرانس				
۱/۲۰	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	-۹/۰۱	-/۴۴۵	تعهد اجتماعی
۱/۱۹	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰	-۸/۸۹	-/۴۲۱	حمایت اجتماعی
۱/۲۷	۰/۹۳۱	۰/۰۰۰	-۸/۳۷	-/۳۸۷	مشارکت اجتماعی
ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل‌شده		آماره دوربین-واتسون		P-Value	آماره F
R= ۰/۶۶۲		۱/۵۹		۰/۰۰۰	۲۹/۶۲
R Square= ۰/۴۳۸					
Adjusted R Square= ۰/۴۳۰					

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خشونت در خانواده علیه زنان مانع اصلی در سلامت و تحکیم بنیان خانواده است؛ چراکه در صورت گسست روابط زوجین، استحکام خانواده از بین خواهد رفت و این نهاد دچار آسیب‌های اجتماعی زیادی خواهد شد. از آنجا که زنان عنصر اصلی یک خانواده به شمار

1. Tolerance

2. Variance Inflation Factor

می‌روند و وظیفه تربیت نسل‌های آینده و استوار نگه‌داشتن بنیان خانواده را بر عهده دارند، لذا پژوهش در راستای خشونت علیه این قشر آینده‌ساز یعنی خشونت جنسی که از طریق شوهران اعمال می‌شود و به‌عنوان یک آسیب اجتماعی پنهان، گریبان‌گیر آنان است، بیش از پیش ضروری می‌نماید. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متأهل شهر قزوین انجام شده است.

چهارچوب نظری پژوهش حاضر مطابق با دیدگاه نظری جامعه‌شناسانی چون بوردیو، کلمن، فوکویاما، پاتنام و لین تنظیم شده است. طبق نظریات کلمن، بوردیو و پاتنام، سرمایه اجتماعی مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که فرد در ارتباط و مشارکت در یک گروه آنها را فرا می‌گیرد و انجام می‌دهد. مبنا و اساس تمام این هنجارها مفهومی است به نام اعتماد و تعهد به شبکه. شبکه از نظر آنان چیزی فراتر از یک ارتباط و کنش متقابل است و سرمایه اجتماعی خود از راه ارزش‌ها و هنجارها باعث شکل‌گیری شبکه خواهد شد که نهایتاً در درون شبکه‌های اجتماعی، پیوندها و تعاملات و مشارکت و همکاری تسهیل و برقرار و در مواقع لزوم، حمایت‌های اجتماعی اعم از مادی، عاطفی و اطلاعاتی مبتنی بر اعتماد بین فردی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در راستای محتوای نظریه‌های متفکران اجتماعی مذکور، می‌توان اذعان نمود از آنجا که سرمایه اجتماعی پیونددهنده ارتباطات در جامعه و خانواده است، پس می‌تواند باعث انسجام خانواده شود و مشارکت و احساس مسئولیت افراد خانواده نسبت به یکدیگر را بالا برده و افراد نسبت به سلامتی یکدیگر و مسائل زناشویی خود بیشتر حساس باشند. بدین طریق، خشونت‌های جنسی، فیزیکی و روانی و کلامی کاهش یافته و زنان در خانواده به دلیل رنگ پوست، یا فرم بدن و غیره تحقیر نمی‌شوند. بدین ترتیب، علاقه زنان به برقراری رابطه جنسی بیشتر شده و همان‌طور که رابطه جنسی، باعث افزایش میزان عشق و عاطفه در بین زوجین می‌شود، به مراتب باعث علاقه‌مندی و مطلوب‌شدن رابطه زن و شوهر را با یکدیگر و نهایتاً موجبات استحکام خانواده فراهم می‌شود. به‌طورکلی، سرمایه اجتماعی با ایجاد حس همکاری و اعتماد بین افراد، موجب تقویت رفتارهای مطلوب اجتماعی در جامعه می‌شود و می‌توان گفت افزایش سرمایه

اجتماعی در جامعه منجر به کاهش رفتارهای نامطلوب اجتماعی می‌شود. برعکس، در جوامعی که روابط شبکه‌ای ضعیفی میان افراد برقرار است، قربانیان خشونت جنسی روابط اجتماعی شبکه‌ای ضعیفی دارند. مطابق نتایج بدست آمده از این پژوهش نیز بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های مربوطه با متغیر خشونت جنسی علیه زنان ارتباط معناداری حاصل آمده است. در این میان، برخورداری از سرمایه مذکور، باعث می‌شود زوجین ضمن حمایت و همکاری متقابل، در زندگی عاطفی و جنسی خود موفق‌تر عمل کنند و با درک و تعهد متقابل زندگی شاداب‌تر و دور از هر نوع خشونتی داشته باشند. پس نتایج حاصل از این پژوهش با محتوای نظریات فوق و بخشی از نتایج تحقیقات شریفیان ثانی (۱۳۸۰)، ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۹)، یعقوبی و رئوفی (۱۳۹۳)، عباسی اسفجیر (۱۳۹۵)، قیاسی و همکاران (۱۳۹۸)، رزاقی و همکاران (۱۳۹۹)، هاگ (۲۰۱۲)، ژانگ وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، مرو و همکاران (۲۰۱۷)، سیما و یاس (۲۰۱۷)، تامپسون (۲۰۱۸)، بانارجی (۲۰۱۸)، همسو است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، معناداری تأثیر سرمایه اجتماعی در تبیین خشونت جنسی علیه زنان می‌توان پیشنهادت زیر را در راستای کاهش پدیده خشونت جنسی علیه زنان ارائه کرد:

- برخورداری زنان متأهل از حمایت‌های اجتماعی در قالب حمایت‌های مادی، عاطفی، اطلاعاتی و مشورتی به‌ویژه از سوی خانواده پدری و خانواده همسر بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌ای از سوی نهادهای ذی‌ربط نظیر نهاد آموزش و پرورش، دانشگاه، بهزیستی، سازمان جوانان، در راستای آشنایی و افزایش اطلاعات زوجین با حوزه مسائل و نیازهای جنسی

- تقویت بیش از پیش مقوله اعتماد و تعهد بین شخصی در زندگی مشترک به‌ویژه توسط زوجین جوان و تأکید بر این مهم که اعتماد به‌عنوان اساس و پایه نهاد خانواده می‌تواند منبع مهمی برای پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت از نوع جنسی باشد.

- بالابردن سطح آگاهی زوجین نسبت به پیامدهای روانی، جسمانی و اجتماعی خشونت جنسی با تأکید بر این موضوع که بسیاری از پیامدهای این نوع خشونت تأثیر پایداری در زندگی زناشویی خواهد داشت.

- افزایش میزان مشارکت اجتماعی زوجین در فعالیتهای جمعی در قالب فعالیتهای ورزشی، هنری، تفریحی، آموزشی.

- تلاش در راستای حل مشکلات زناشویی با توسل به فرهنگ تعامل و گفت‌وگو و تعهد در خانواده به جای توسل به خشونت

کلام آخر اینکه زوجین باید در جهت تقویت سرمایه اجتماعی (مشمول بر مؤلفه‌های تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، در زندگی مشترک خود برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند و در این راستا، نسبت به زندگی خود وفادار باشند و در هر شرایطی نسبت به حمایت یکدیگر دریغ نورزند و با مشارکت در تمام امور زندگی موجبات استحکام و آرامش در خانواده را فراهم کنند.

کتابنامه

۱. ابوالحسن تنهایی، ح؛ حضرتی صومعه، ز. (۱۳۸۸). بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، نشریه علوم رفتاری، ۱ (۱)، ۵۲-۲۹.
۲. اخترمحققی، م. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. تهران: مهدی اختر محقق.
۳. ارشدی، ع. ی.، ملکی، و.، و سعیدی روشن، ح. (۱۳۹۲). خشونت از منظر جرم‌شناسی، عوامل گرایش و راهکارهای مقابله با آن، ۲۲ (۶)، ۱۶۹-۱۴۶.
۴. آشنا، ح.، و بیگی، ج. (۱۳۹۸). جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲ (۱۶)، ۱۴۲-۱۱۵.
۵. السان، م. (۱۳۸۵). جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۱ (۵)، ۱۶۳-۱۴۱.

۶. الوانی، س. م.، و سیدنقوی، م. ع. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، ۳۳(۹)، ۲۶-۹.
۷. باقری، ف.، صدیق اورعی، غ.، و یوسفی، ع. (۱۳۹۴). تعهد اجتماعی: مفهومی جدید در عرصه علوم اجتماعی یا معنایی کهن در تاریخ اندیشه بشری، فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۳(۲)، ۱۴۴-۱۰۸.
۸. بنی فاطمه، ح.، عباس زاده، م.، علیزاده اقدم، م.، و محمدپور، ن. (۱۳۹۷). استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی، زن در توسعه و سیاست، ۴(۱۶)، ۵۸۱-۶۰۲.
۹. حقیقتیان، م.، و عبداللهی، م. (۱۳۹۰). عوامل موثر بر تعهد اجتماعی در بین دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر اصفهان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۳)، ۶۶-۷۴.
۱۰. دلپسند، ک.، ایار، ع.، خانی، س.، و محمدی، پ. (۱۳۹۱). حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۲(۱)، ۸۹-۱۲۰.
۱۱. رزاقی، ن.، پورحسین، م.، بابایی، ا.، و انتظاری، س. (۱۳۹۹). بررسی رابطه رضایت جنسی با تعارضات زناشویی زنان، مجله مطالعات ناتوانی، ۶۰(۱۰)، ۲-۴.
۱۲. زاهدی، م. ج.، ملکی، ا.، و حیدری، ا. (۱۳۸۷). فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۸(۷)، ۷۹-۱۰۶.
۱۳. زنجانی زاده، ه.، صالح آبادی، ا.، و جعفریان یزدی، ن. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۲(۹)، ۷-۴۶.
۱۴. سادات میری، ه.، و دادور، ر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل فردی- اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متاهل (ناحیه ۶ شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۷(۱)، ۱۵۷-۱۳۴.
۱۵. ساریچلو، م. ا.، قافله باشی، س. ج.، کلاتری، ز.، مرادی بگلویی، م.، و جهانی هاشمی، ح. (۱۳۸۸). خشونت های خانگی علیه زنان و مداخله جهت پیشگیری در منطقه مینودر و کوثر قزوین، مجله دانشگاهی علوم پزشکی قزوین، ۴(۱۳)، ۲۰-۲۳.
۱۶. سوری، ع. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۲۰(۲)، ۱۰۷-۱۲۹.

۱۷. شامحمدی، م. (۱۳۹۶). تبیین اجتماعی خشونت علیه زنان در ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۲(۳)، ۷۲-۸۳.
۱۸. شریفیان ثانی، م. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، مجله رفاه اجتماعی، ۲(۱)، ۵-۱۸.
۱۹. شکریگی، ع. و مستمع، ر. (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، مجله جامعه شناسی ایران، ۲(۱۵)، ۱۷۷-۱۵۳.
۲۰. شیانی، م.، موسوی، م. ط. و مدنی قهقرخی، س. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی جوانان در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، ۳(۱)، ۵۷-۸۴.
۲۱. عباسی اسفجیر، ع. ا. و رئوفی، ل. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر بابل، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۴۶(۴)، ۹۱-۱۱۳.
۲۲. علمی، م.، تیغ زن، خ. و باقری، ر. (۱۳۸۷). تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی در بین دانش آموزان دبیرستان های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)، مطالعات جامعه شناسی، ۱(۱)، ۲۵-۴۶.
۲۳. علیوردی نیا، ا.، ریاحی، م. ا. و فرهادی، م. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی، مجله مسائل اجتماعی ایران، ۲(۲)، ۹۵-۱۲۷.
۲۴. عنایت، ح. و دهقانی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی: شهرستان کهکیلویه)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۱۸(۶)، ۸۵-۱۰۴.
۲۵. قیاسی، م.، سرلک، ا. و غفاری، ه. (۱۳۹۸). تاثیر متقابل سرمایه اجتماعی و سلامت در استان های کشور، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۳۱(۹)، ۱۱۵-۱۳۰.
۲۶. محمدی، ف. و میرزائی، ر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱(۶)، ۲-۲۰.
۲۷. ملکی، ا. و نژادسبزی، پ. (۱۳۸۹). رابطه ی مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲(۱)، ۳۱-۵۳.

۲۸. نریمانی، م.، و آقامحمدیان، ح. (۱۳۸۴). بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده های ساکن شهر اردبیل، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۲۷(۷)، ۱۱۳-۱۰۷.
۲۹. نوغانی، م.، و اصغرپور ماسوله، ا. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، نشریه فرآیند مدیریت و توسعه، ۶۸(۱)، ۵۳-۳۳.
۳۰. نیکدل، ف.، و جاودانیان، ص. (۱۳۹۸). طرحواره های شناختی پرخاشگر، شیوه های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان، مجله پژوهش های روان شناسی اجتماعی، ۳۳(۹)، ۳۵-۵۲.
۳۱. یعقوبی دوست، م.، و عنایت، ح. (۱۳۹۰). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)، مجله زن و مطالعات خانواده، ۱۴(۴)، ۱۷۲-۱۴۳.
۳۲. یعقوبی، ع.، و رئوفی، ل. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان متاهل شهر خلخال)، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۳۹(۱۰)، ۱۴۰-۱۲۱.
۳۳. یونسی، ف.، و جعفری، ف. (۱۳۹۷). خودمراقبتی و پیشگیری از آزارهای جنسی. مرکز مشاوره دانشگاه تهران و دفتر مشاوره و سلامت وزارت علوم: تهران.

34. Abder, R., Hasan, O. S., Hafsah, R. J., & Salameh, I. (2017). Role of forensic medicine in evaluating non- fatal physical violence against women by their husbands in Jordan. *Journal of Forensic and Legal Medicine*, (49), 33-36.
35. Abebe, K.Z., Jones, K., Ciaravino, S., Ripper, L., Paglisotti, T., Morrow, S. E., Grafals, M., Dusen, C. V., & Miller, E. (2017). A cluster- randomized trial of a middle school gender violence prevention program: Design, rational, and sample characteristics. *Contemporary Clinical Trials*, (62), 11-20.
36. Ahnlund, P., Andersson, T., Snellman, F., Sundström, M., & Heimer, G. (2020). Prevalence and Correlates of Sexual, Physical, and Psychological Violence against Women and Men of 60 to 74 Years in Sweden. *Journal of Interpersonal Violence*, 35(5-6), 1539-1561.
37. Banarjee, S. (2019). Identifying factor of sexual violence against women and protection of their rights in Bangledesh. *journal Pre-Proof*.

38. Hernández, W., Dammert, L., & Kanashiro, L. (2020). Fear of crime examined through diversity of crime, social inequalities, and social capital: An empirical evaluation in Peru. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 53(4), 515–535.
39. Koga, C., Hanazato, M., Tsuji, T., Suzuki, N., & Kondo, K. (2020). Elder abuse and social capital in older adults: The Japan Gerontological evaluation study. *Gerontology*, 66(2), 149–159.
40. Lee, S. (2017). Social capital and health at the country level, *Social science journal*.
41. O' leary. K., Heyman, D., & Neidig, P. (1999). Treatment of wife abuse: A comparison of Gender- specific and conjoint Approaches. *Behavior Therapy*, (30), 475-505.
42. Sommerfeldt.E., & Mauraeen, T. (2011). A social capital approach to improving public relations efficacy: Diagnosing intrenal constraints on external communication. *Public Relations Review*, (37), 197-206.
43. Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity jealousy and wife abuse among Tsimane forager- farmers: testing evolutive hypothesis of marital conflict. *Evolution and Human Behavior*, 438-448.
44. Sukeri, S., & Normanieze, N. (2017), Escaping of domestic violence: A qualitative study of women who left their abusive husbands, *Journal Talbah University Medical sciences*, 1-6.
45. Thompson, M. (2018). Social capital Innovation and Economic Growth. *Department Economics*, 4710-4757.
46. Vyas, S. (2017). Marital violence and sexually transmitted infections among women in post- revolution Egypt. *Sexual & Reproductive Healthcare*, (13), 68-74.